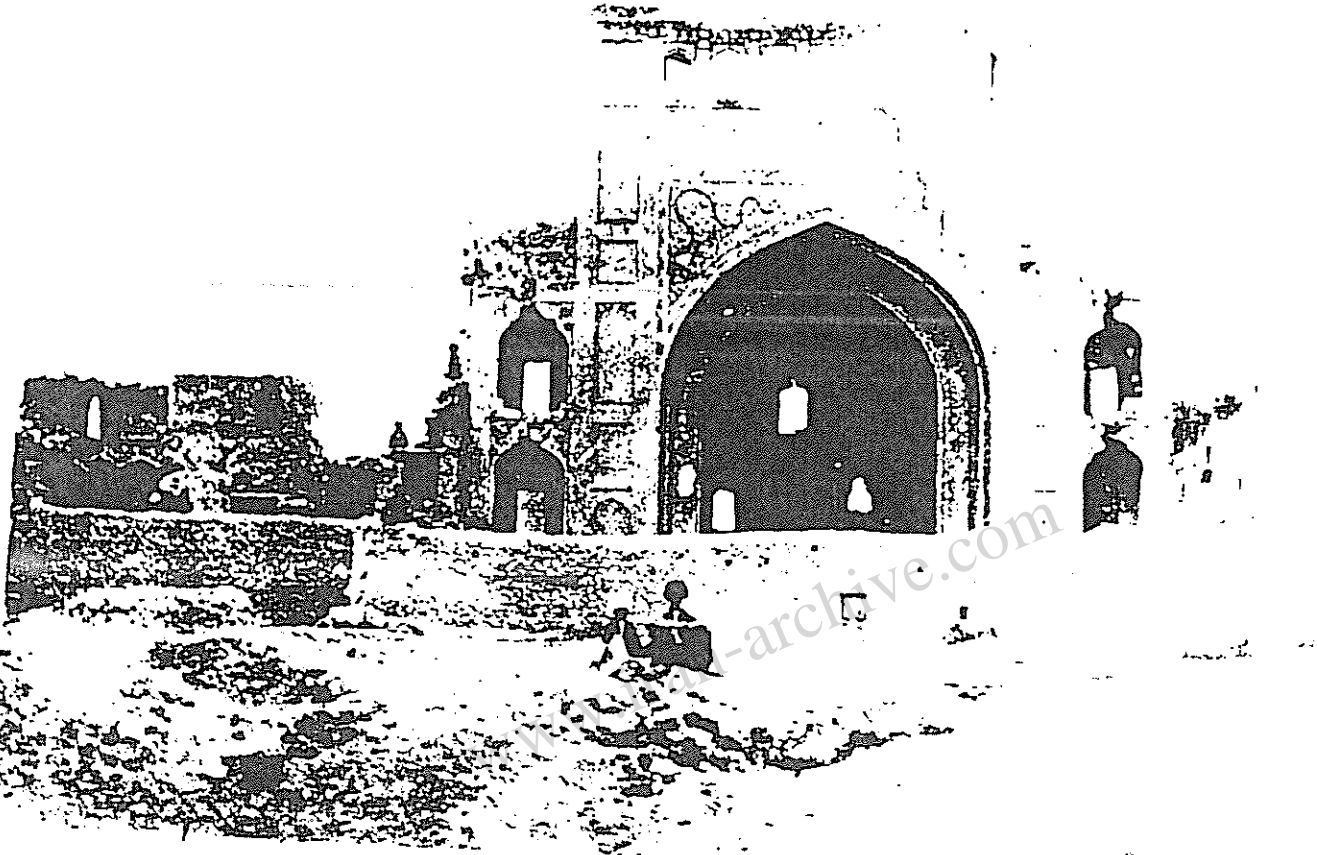


تأزه یول

N°:19
Dec1991

نشریه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

شماره ۱۹
آذر ۱۳۷۰



مجریه سلیسکه

عکس: مسجد ویران شده "گولندپه" توسط روسها

* دو خبر فرهنگی

* متن جدید

اساسنامه انجمن فرهنگی ترکمنهای

مقیم کمون لروم — سوئد

* یادداشت ماه:

بمناسبت صدمین سال تجزیه سرزمین ترکمن

* و اینگونه گذشت

* نوشته های

تابستان

تاریخ هر ملتی سرشار از حوادث ریز و درشتی است که در حافظه آن ملت به ثبت رسیده. حوادث مهم و بزرگ تاثیرات معینی در زندگی يك ملت میگذارند. لیکن بعضی از رویدادهای تاریخی هستند که تاثیر سرنوشت ساز و تاریخی در حیات و آینده ملتی بر جای میگذارند. از آنجمله است حادثه تاریخی و فراموش نشدنی نهم دسامبر ۱۸۸۱.

تا این تاریخ ترکمنها بسان ملتی واحد مثل بسیاری از ملل دیگر در سرزمینی واحد، کار و زندگی میکردند و سرنوشت واحدی را تعقیب نمینمودند. لیکن درست یکصد سال پیش این واقعیت بهم خورد و سرنوشتی دیگر برای ملت ترکمن رقم خورد. استعمار روسیه تزاری در پی اهداف توسعه طلبانه خود و راهگشایی بسوی ایران، افغانستان و هندوستان در سال ۱۸۷۶ بسوی آسیای میانه، لشکرکشی خود را آغاز کرد. زمانیکه ارتش توسعه طلب تزاری به مرزهای سرزمین ترکمن رسید، به ترکمنها پیغام داد که به حاکمیت تزاری گـردن نهند و به میل خود به "رعایای خوشبخت حکومت مقتدر و ثروتمند روسیه تزاری تبدیل گردند." ترکمنها این پیشنهاد را اسارت آور تلقی کرده و آنرا مردود شناختند و در مقابل پیشنهاد نمودند که حاضرند با دولت تزاری هر گونه روابط تجاری که بسود طرفین باشد، برقرار کنند و حتی امنیت کاروانهای تجاری روسیه به ایران و افغانستان را نیز در سرزمین خودشان تضمین نمایند. اما این پیشنهاد صلح جویانه بسود تزار که سودای توسعه طلبی و جهانگشایی داشت، نبود و از آنجا که مقدمات یورش و غصب قلدرمناشانه سرزمین ترکمن از قبل تدارک دیده شده بود، حمله آغاز گردید و جنگی نابرابر میان ارتش متجاوز تزاری و قوای مدافع ترکمن در گرفت که سه سال بطول کشید.

جنگ با تباری استعمار انگلیس و حکومت قاجار با روسیه تزاری طبیعتاً به زیان ترکمنها پایان یافت. بطوری که در سال ۱۸۸۱ در يك جنگ تاریخی در قلعه "گوك دپه" جنگ با شکست ترکمنها پایان یافت.

بدنبال این شکست، ارتش متجاوز روسیه دست به جنایات بیشرمانهای میزند، طوری که "مسکین قلیچ" شاعر و نویسنده ترکمن آن را به آخر زمان تشبیه کرده است. بدنبال این تجاوز و جنایت تاریخی علیه ملت ترکمن، در ۹ دسامبر ۱۸۸۱ میان حکومت ایران و دولت روسیه تزاری قراردادی بسته میشود که معروف به قرارداد "آخال" است. طبق این قرارداد سرزمین یکپارچه و واحد ترکمن تجزیه میگردد. طبق این قرارداد ننگین نه فقط سرزمین، بلکه خانوادهها به جدایی اجباری از عزیزان خود محکوم میشوند. زن از شوهر، فرزند از پدر یا مادر، دوست از یار جدا افتادند و ملتی به تجزیه کشیده شد.

حق اشتراك سالانه برای کشورهای اسکاندیناوی معادل ۱۲۰ کرون سوئد باضافه هزینه پست.
حق اشتراك و کمکهای مالی خود را به حساب زیر واریز نمائید:

Postgiro - 64 44 43-4

نشانی ما : Taze Yol
Box: 217
440 06 Gråbo
Sweden

تازه یول نشریاتی است آزاد و به هیچ گروه، سازمان و حزب سیاسی وابستگی ندارد. و نیز تلاش میکند خوانندگان و علاقمندان را با فرهنگ و مسائل مردم ترکمن آشنا سازد.
تازه یول کوشش میکند پیرامون مسئله ملی و جنیش خلق ترکمن بحثهایی را دامن بزند، لذا کلیه خوانندگان و دوستان میتوانند مطالب و مقالات خود را به نشریه بفرستند.

* مسئولیت مقالات با امضا بر عهده نویسندگان است و چاپ آنها لزوماً به معنی تأیید مواضع مطروحه نیست.

* تازه یول در کوتاه کردن و اصلاح مقالات رسیده آزاد است.

* مطالب ارسالی حتی الامکان کوتاه و خوانا باشد.

* مطالب رسیده بی فرستاده نمیشود.

کرد و بدنبال آن رای‌گیری مخفی صورت گرفت و در نتیجه هیئت رئیسه و بازرسی مالی جدید بمدت یکسال انتخاب شد. هیئت رئیسه جدید طبق توصیه اساسنامه انجمن مسئولیتها را با رای مخفی در میان اعضای خود تقسیم نمود. مجمع عمومی سالانه انجمن فرهنگی مقیم لروم در سوئد همچنین اطلاع یافتیم که مجمع عمومی سالانه انجمن فرهنگی ترکمنهای لروم نیز برگزار گردیده است. بقرار اطلاع ابتدا هیات مدیره گزارش عملکرد خود را به مجمع اطلاع داد و بدنبال آن طبق موازین اساسنامه استعفاي خود را اعلام نمود. سپس مجمع به بررسی گزارش پرداخت. آنگاه این مجمع پیرامون اساسنامه انجمن به بحث پرداخت و برخی اصلاحات را در آن وارد نمود. در پایان هیئت مدیره جدید و بازرسی انجمن از میان کاندیداها انتخاب گردید.

مجمع عمومی انجمن ترکمنهای مقیم گوتنبرگ در سوئد: ترکمنهای مقیم گوتنبرگ طی چندین نشست قبل از تشکیل مجمع عمومی روی مسائل مختلف بحث و گفتگو کردند. نقطه اشتراك تمامی شرکت کنندگان پیرامون خط مشی انجمن بود. آنان تاکید کردند که انجمن انعکاس دهنده خواسته‌های فرهنگی اجتماعی و... میباشد. طی جلسات فوق هیئت برگزاری مجمع عمومی را تعیین کرده و هیات مذکور بعد از مدتی ترکمنهای مقیم گوتنبرگ را بشرکت در جمع دعوت نمود. در مجمع عمومی درباره اساسنامه انجمن بحث و گفتگو صورت گرفت که در نتیجه آن اصلاحاتی بر اساسنامه قبلی وارد گردید. در خاتمه مجمع لیست کاندیداتورهای هیئت رئیسه را اعلام

اساسنامه انجمن فرهنگی ترکمنهای مقیم لروم - سوئد

تبصره: طبیعتی دیگر در صورت تمایل عضو افتخاری انجمن خواهند بود.

بخش چهارم: حقوق اعضا:

۱- حق شرکت در انتخابات انجمن و برخورداری از حقوق انتخاب کردن و انتخاب شدن با حقوق مساوی.

۲- شرکت در مجمع عمومی، بحث و اظهار نظر و تصمیم گیری درباره فعالیت‌های انجمن با داشتن حق رای مساوی.

۳- شرکت در جلسات هیئت مدیره و تبادل نظر و اظهار عقیده بدون حق رای.

۴- کلیه اعضا در صورت تمایل میتوانند صورت جلسات هیئت مدیره را مطالبه نمایند.

تبصره الف: اعضا افتخاری انجمن بدون داشتن حق رای میتوانند در مجمع عمومی و سایر جلسات انجمن شرکت نموده، طرحها و پیشنهادات و انتقادات خود را ارائه نمایند.

بخش پنجم: ارگانهای انجمن:

۱- مجمع عمومی

۲- هیئت مدیره

بخش ششم:

۱- مجمع عمومی عالیترین مرجع تصمیم گیری و صلاحیتدار انجمن میباشد.

۲- مجمع عمومی هر سال یکبار تشکیل میگردد.

۳- مجمع عمومی با شرکت نصف بعلاوه يك کلیه اعضا رسمیت خواهد یافت.

۴- در صورتیکه طی دو جلسه موضوع ماده سوم از بخش ششم عملی نگردد، جلسه سوم با هر تعداد از اعضا رسمیت خواهد یافت.

تبصره: در حالات زیر مجمع عمومی فوق‌العاده تشکیل میگردد:

بخش اول:

نام: انجمن فرهنگی ترکمنهای مقیم لروم

تعریف: انجمن فرهنگی ترکمنهای مقیم لروم نهادی است مستقل و دمکراتیک که به هیچ حزب و سازمان سیاسی یا مذهبی وابستگی نداشته و بر اساس خواسته‌های انسانی، فرهنگی و اجتماعی ترکمنها بوجود آمده است و در این راستا فعالیت خواهد نمود.

بخش دوم: اهداف:

۱- تلاش در جهت دوستی و همبستگی بیشتر با دیگر خلقهای کشورمان ایران.

۲- تلاش در جهت حفظ و گسترش مناسبات دوستانه با شهروندان سوئدی و دیگر ملیتهای مقیم آن.

۳- تلاش در جهت همبستگی و پیوند بیشتر بین ترکمنها و رفع نیازهای فرهنگی و اجتماعی آنان.

۴- دفاع از حقوق اجتماعی ترکمنها

۵- دفاع از حقوق کلیه پناهندگان

۶- تلاش در جهت ایجاد روابط ورزشی و هنری با دیگر نهادهای فرهنگی و دمکراتیک.

۷- تلاش در جهت پیشبرد و اشاعه و حفظ میراث‌های اصیل فرهنگی و اجتماعی خلق ترکمن و از بین بردن هرگونه آثار ستم‌های فرهنگی و اجتماعی.

بخش سوم: شرایط عضویت:

۱- قبول اساسنامه

۲- ترکمن بودن. تبصره الف: هر فردی از ملیتهای دیگر که با یکی از اعضا رسمی ازدواج نموده باشد در صورت تمایل میتواند عضو رسمی انجمن باشد.

۳- پرداخت حق عضویت: سالانه برای افراد بالای ۱۸ سال مبلغ ۱۲۰ کرون میباشد.

تبصره: عضویت در انجمن فردی میباشد.

ب: با پیشنهاد ۲ نفر از اعضا اصلی هیئت مدیره

ج: با پیشنهاد یکسوم از اعضا رسمی انجمن

د: در صورت تقاضای بازرسی

بخش هفتم: وظایف مجمع عمومی:

۱- استماع گزارش عملکرد یکساله انجمن

۲- اصلاح اساسنامه در صورت لزوم.

۳- انتخاب هیئت مدیره انجمن بدت یکسال با رای مخفی

۴- انتخاب بازرسی

۵- تعیین خط و مشی کلی فعالیتهای انجمن برای دوره آتی

بخش هشتم: هیئت مدیره:

هیئت مدیره بالاترین ارگان اجرائی انجمن در فاصله برگزاری

۲ مجمع عمومی سالانه انجمن میباشد که متشکل از ۳ نفر عضو

اصلی و ۲ نفر عضو علیالبدل خواهد بود.

بخش نهم: وظایف و اختیارات هیئت مدیره:

۱- رهبری و تنظیم فعالیتهای انجمن با رعایت مفاد اساسنامه

انجمن و تنظیم صورت جلسات کتبی.

۲- اجرای مصوبات مجمع عمومی

۳- تقدیم گزارش عملکرد یکساله زمان تصدی به مجمع عمومی

سالانه

۴- هیئت مدیره انجمن موظف است تاریخ مجمع عمومی سالانه

را حداقل یکماه زودتر کتبا به اطلاع کلیه اعضا برساند.

۵- مجمع عمومی فوقالعاده از تاریخ لزوم تشکیل آن حداکثر تا

یکماه بعد تشکیل خواهد شد، تهیه مقدمات و دعوت از اعضا

جهت تشکیل مجمع به عهده هیئت مدیره انجمن میباشد که میباید

تاریخ آن دو هفته زودتر به اطلاع کلیه اعضا برسد.

۶- هیئت مدیره انجمن موظف است برای انتخابات جدید، بعد

از ارائه گزارش کار خود به مجمع عمومی سالانه از سمتهای خود
استعفا نموده و راه را برای انتخابات بعدی باز نماید.

۷- هیئت مدیره انجمن موظف است به همکاری با بازرسان منتخب
در مجمع عمومی

۸- هیئت مدیره انجمن موظف است حداکثر یکفهرته از انتخاب

شدن با رایگیری داخلی و مخفی، مسئول، منشی، مسئول امور مالی

و سایر مسئولین مربوطه به امور خود را انتخاب و با اطلاع اعضا

برساند.

۹- هیئت مدیره اختیار دارد تا تشکیل مجمع عمومی سالانه یا

فوق العاده، عضویت هر يك از اعضا را که مصوبات اساسنامه را

رعایت نکند معلق نماید. زمان تعلیق بیش از دو ماه نخواهد

بود.

بخش دهم: وظایف و اختیارات بازرسی انجمن:

۱- بازرسی موظف است طی سال در رابطه با اجرای احکام

انجمن، بازرسیهای لازم را بعمل آورده و نظریات یا نقایص

خود را در جلسه رسمی هیئت مدیره مطرح نماید.

۲- بازرسی موظف است پس از پایان گزارش هیئت مدیره به مجمع

عمومی سالانه گزارش عملکرد خود را در طول دوره به مجمع

عمومی گزارش دهد.

* * * * *

کلیه افراد علاقمند میتوانند با این آدرس با انجمن تماس حاصل

نمایند:
Turkmenska Kulturföreningen
i Lerum

Box:48

448 21 Floda

نوشته های ...

آفریدن افکار، قافیوها و تشبیهات ادبی نوین برای يك شاعر

کار مشکل و پیچیدهای میباشد. موفقیت در این امر افتخار حقیقی

يك شاعر است. بعد از گذشت زمان میتوان این افکار و قافیوها

و تشبیهات نوین را در گله تعدادی از شاعران (منظور از گله،

اشعار تقلیدی) مشاهده نمود و اگر شعر تو در جمع یانثستی

قرائت شود و بجای آنها تو شرمنده و خجل خواهی شد و برعکس

آنها با بیاعتنایی کامل به روی تو خواهند خندید.

البته تقلید آثار ادبی مبنی بر بیان "طبق روش فلان شاعر"

و یا ترجمه اشعار دیگران در آثار ادبی

خود مجاز است ولی سو استفاده از ایمن

امر جایز نیست. تقلید از دیگران و یا ترجمه

بعضی سطور از شاعران در آثار ادبی يك

نویسنده، کم و کاست تفکر ادبی آن مولف

یا نویسنده مقلد نبوده، بلکه غنی و پرمحتوی

بودن آثار ادبی شاعرانی را که از آثار آنان

استفاده شده را به اثبات میرساند.

* * * * *

شاعر جوانی مینویسد "مطالعه پی در پی

آثار ادبی شاعران و تاثیر بسزایی که این

اشعار در می میگذارند به اشعار من ضرر

و زبان میرسانند." ولی اصل مطلب در آن

است که فقط افراد کم مطالعه تحت تاثیر

قرار گرفته و نمیتوانند از آن تاثیر در امان

باشند. ولی اگر افرادی که قصد قلم فرسایی

در عرصه نظم دارند، علاوه بر مطالعه آثار

ادبی خلق ترکمن، آثار ادبی شاعران و نویسند

گان مشهور جهان را مطالعه کرده و بعد

به نوشتن سطوری چند بپردازند، از تاثیر

مطلوب آثار دیگران، محفوظ خواهند ماند.

— والا راستش حالم زیاد خوب نیست، دو روزه که غذا نخوردم و از غذایی که صبح آورده بودند خواستم بخورم، ولی حالم خراب شد و بالا آوردم.

— افسر با دست راستش، دست چپ سعید را گرفت و به ساعتش نگاه کرد. پس از لحظاتی گفت:

— نبضتان کمی بیاض میزند و مثل اینکه کمی هم تب دارید. من الآن میروم و دکتر پادگان را به اینجا میفرستم تا شما را معاینه کند. اگر مجلنای یا روزنامهای بخواهید الآن برایتان بیاورم.

— اگر يك مجله هم بیاورید خیلی ممنون خواهم شد.

افسر از جایش بلند شد و رفت و پس از چند لحظه با چند شماره مجلههای

قدیمی روسی برگشت و آنها را به سعید داد.

— خوب، اگر کار دیگری ندارید من میروم تا به دکتر بگویم که بیاید شما را معاینه کند. من فردا باز هم پیشتان خواهم آمد.

— خیلی ممنون.

دوباره با سعید دست داد و خداحافظی کرد و رفت. سعید دوباره تنها شد.

ادامه دارد

خشک شده درست شده بود. تشنه اش بود، پس تلاش کرد جرعتهای دیگر بنوشد.

ولی نتوانست. دست به نان برد. تکههای کند و در دهانش گذاشت و به آرامی جوید و بزور قورت داد. حالش داشت بهم میخورد.

با قاشق از غذای داخل ظرف برداشت و به دهان نزدیک کرد.

حالت تهوع به او دست داد.

به در کوبید و بازسریاز

از پنجره کوچک نگاه کرد. تا به او بفهماند که حالش خوب نیست استفرغ کرد. سریاز با شتاب در را باز کرد و او را با عجله به دستشویی راهنمایی کرد. آبی به صورتش زد. بیشتر از قبل دلش ضعف میرفت، دیوارها، دستشویی و سریاز و همه چیز دور سرش چرخ میخوردند. سریاز به او کمک کرد و او را نزدیک تخت آورد و او خودش را روی تخت انداخت. صدای رژه سربازانی که سرود میخواندند از بیرون بگوش میرسید. صدای رژه سربازان و صدای رادیویی که سه از بلندگو پخش میشد برایش آزاردهنده بود. سرش همچنان گیج میرفت و حالت تهوع داشت. از خستگی و ضعف سرش خیلی سنگین شده بود، ولی خوابش نبرد.

* * * * *

ساعت حدوداً ۱۰ بود که سریاز در را

باز کرد. افسری ترکمن میانسال وارد اطاق شد و سعید از جایش برخاست و کنار تخت نشست. افسر ترکمن به او نزدیک شد و دستش را دراز کرد. بلند شد و با او دست داد. با هم احوالپرسی کردند. افسر روی چهارپایه نشست:

— اسم من امانگلدی است و افسر ساده میباشم. وظیفه دارم که حال شما را ببینم. اگر کمبودی دارید و یا موضوعی هست که بخواهید بگوئید من سعی میکنم که کمک کنم.

نگاهی به تحولات افغانستان



احمد شاه مسعود



گلبدین حکمتیار

روز ۲۵ آپریل ۱۹۹۲ مجاهدین افغانی با تصرف شهر کابل به حیات ۱۳ ساله حکومت حزب دمکراتیک خلق (حزب وطن) نقطه پایان گذاردند. حزب وطن افغانستان که در ۷ ثور ۱۳۵۲ با یک قیام شبه کودتایی توسط نیروهای خود در ارتش قدرت را بدست گرفت، در اثبات اختلافات درونی و وابستگی رهبران آن به امپراطوری عقیدتی - سیاسی حزب کمونیست شوروی، عملاً افغانستان را به مستعمره اتحاد شوروی سابق تبدیل کرده بودند. حضور قوای نظامی شوروی در افغانستان از سال ۱۳۵۸ منجر به تشدید جریانات مقاومت و استقلال جویی نیروهای سیاسی تبدیل شده، اکثریت قاطع نیروهای مقاومت دارای گرایشات مذهبی و اسلامی بودند، ده سال در برابر ارتش سرخ، مقاومت نمودند. طی این روند بهر میزان که وابستگی حکومتی و رهبران دولتی به شوروی بیشتر میشد، عنصر مقاومت جویی و استقلال طلبی مجاهدان افغان فزونی می یافت.

بعد از خروج قوای شوروی از افغانستان که در اثر تحولات درونی این کشور و اوضاع بین المللی صورت گرفت، جنگ میان حکومت و مجاهدان افغانی، فروکش نکرد، بلکه در ادواری نیز شدت بیشتری یافت. نتیجه جنگ سیزده ساله، کشته شدن انسانهای زیادی است که تعداد آن بین ۱ تا ۲ پیلین نفر تخمین زده میشود. بعلاوه، مین گذاری سراسر کشور توسط مجموعه طرفین درگیر، و نابودی مزارع و روستاهای بیشمار و خرابی شهرها و مهاجرت میلیونها افغانی و دهها عوارض منفی دیگر است. "جمعیت اسلامی" که توسط احمد شاه مسعود رهبری میشود قویترین جریان نظامی - سیاسی مجاهدین افغان بعلت قدرت و نفوذش توانست نسبت به رقبای

خواهد یافت و یا اینکه رهبران مجاهد بر سر تقسیم قدرت به توافق خواهند رسید، مسئلهای است که آینده آرزویشان خواهد کرد.

باید توجه داشت که جریان حکمتیار یک جریان بنیادگرای اسلامی است که توسط نظامیان پاکستان، عربستان، و تا حدودی از سوی ایران حمایت میشود. **جمهوری اسلامی و افغانستان**

تحولات افغانستان یکی از مسائل اصلی مورد توجه رهبران ج.ا. است. ج.ا. خواهان روی کار آمدن یک حکومت اسلامی در همسایگی خود بود، حکومتی که میبایست تابع تهران میبود و از برخی نیروها - اسلامی خاصه از جریانات شیعه طرفداری قاطع میکرد. ولی جریانات مورد حمایت ج.ا. قدرت و نفوذی را که بتوانند نقشی در تحولات بازی کنند، نداشتند. از سوی دیگر در گذشته در مقابل احمد شاه مسعود، ج.ا. از گلبدین بنیادگرا حمایت میکرد. ولی بدنبال نقش هژمون احمد شاه مسعود در تحولات و تصرف قدرت توسط حزب دمکراتیک نیز صورت میگرفت که نتیجه آن تنها به قربانی شدن مردم بیگناه و اطفال معصوم منجر میشد. اکنون مجاهدین در رابطه با درگیریهای داخلی مجاهدین بخاطر عدم توافق در تقسیم قدرت در برابر هم صف آراسته اند و یکدیگر را می کشند. و گفتگو شده است. و میل دارد که نقش میانجی را در میان آنها بازی کند، ولی

خود پیشی بگیرد و قدرت را در کابل بچنگ آرد. ارتش و کادر دولتی سابق افغانستان از ورود نیروهای احمد شاه مسعود استقبال کرده و پشتیبانی خود را وی اعلام داشتند که این امر موجب گردید تصرف شهر کابل پایتخت افغانستان به صورت مسالمت آمیز صورت گیرد. بدنبال تصرف قدرت توسط احمد شاه مسعود، صبغت الله مجددی طی تشریفات محدود و سریعی بعنوان رئیس جمهور افغانستان برگزیده شد. و دولت موقتی تشکیل گردید. این روند با رضایت جریان افراطی و بنیادگرا برهبری گلبدین حکمتیار روبرو نشد. لذا منجر به مقاومت و درگیری نیرو های گلبدین حکمتیار با دولت جدید - التاسیس افغانستان گردید که چند روز در کابل و حومه آن میان طرفین آتش رد و بدل شد که تعدادی از طرفین کشته و مجروح شدند، ولی نیروهای حکمتیار به عقب رانده شدند. و اکنون به موشک پرانی بطرف شهر کابل میپردازند. این تاکتیک توسط مجاهدین در زمان حکومت حزب دمکراتیک نیز صورت میگرفت که نتیجه آن تنها به قربانی شدن مردم بیگناه و اطفال معصوم منجر میشد. اکنون مجاهدین در رابطه با درگیریهای داخلی مجاهدین بخاطر عدم توافق در تقسیم قدرت در برابر هم صف آراسته اند و یکدیگر را می کشند. و گفتگو شده است. و میل دارد که نقش میانجی را در میان آنها بازی کند، ولی

نوشته های تابستان

این نوشته‌ها حاصل تأثیرات ادبی و شرایط زندگی و احساسات درونی من بین سالهای ۲۹-۱۹۵۵ می‌باشد. انگیزه اصلی نامگذاری این نوشته‌ها که "نوشته‌های تابستانی" نامیده میشوند، در روند مطالعه مشخص خواهد شد. نوشته‌ها گلچینی از صفحات دفاتر یادداشت ۲۵ سال است. این صفحات در طی مدت طولانی محرم راز من بوده است. بعضی اوقات مقدس‌ترین و پنهان‌ترین راز و اسرار خودم را در آنها می‌افتم. با وجود این برخی از این اسرار را نه فقط برای خود، بلکه در مجامع و نشستها با دوستان مطرح و بحث می‌کردم. نوشته‌ها بر اساس مضامین ادبی و یازندگی انسانی تقسیم بندی نشده، بلکه مختلط می‌باشد. این امر بر اساس تأکید بر اعتقاد من مبنی بر اینکه ادبیات و زندگی انسانی دوجیز مجزا از هم نبوده و مدام در ارتباط با هم هستند، استوار می‌باشد.

* * * * *

افکار و نظرات گوناگونی در مورد شاعران خوب و بد از دوران کسید (Gesiod) تاکنون گفته میشود. نه تنها منتقدین ادبی، بلکه خود شاعران نیز در بابت این موضوع سکوت نکرده‌اند. مخصوصاً درباره شاعران با استعداد و متفکر مطالب بی‌مورد زیاد گفته شده است. اما من تاکنون با کلمات غضب‌واری مانند کلمات انتقادآمیز شاعر کبیر مجاری شاندور په تغنی روبرو نشده‌ام. او چنین مینویسد:

"در عالم هستی هیچ جانور وحشتناکی مانند شاعر بی استعداد وجود ندارد. گناه منتقدین هم از طرف خدا و هم از طرف من بخشوده میشود. ولی گناه شاعران بی استعداد و بد هرگز از طرف خداوند و نه از طرف من بخشوده نخواهد شد. جنایتکاران قهار هم بعد از گذشت زمان به راه راست هدایت میشوند، ولی این دسته از شاعران خیر..."

من هنوز هم به تمامی اسرار و رازهای نظم ادبیات پیسی نبردم. ترس و وحشتم از این است که مبدا گفته‌های شاعر مجاری بر من هم صدق کند. اکنون ۲۵ سال از عمر خود را پشت سر گذاشتم. دوران تفکر و تعمق در مورد زندگی آینده و سرنوشت آغاز شده است. به همین علت هم نوشته‌ها را با کلمات و جملات شاعر مجاری آغاز نمودم.

شخصیت خود را به کمال رساندن و در پایان هر روز خود را سنجیدن و آزمودن امری ضروری برای هر انسان می‌باشد. من امروز چه کار مفیدی برای مردم و خلقم انجام دادم؟ امروز چه خطاها و اشتباهاتی از من سر زد؟

آیا به وجدان و انصاف انسانی خود خیانت کردم؟

البته انتقاد از خود و قبول و بگردن گرفتن خطاها و اشتباهات کار آسانی نیست. ولی کامل نمودن شخصیت انسانی

کریم قربان نه په س
ترجمه و تلخیص از: کونش

هیچوقت برای هیچ کس کار سهل و ساده‌ای نبوده است.

* * * * *

کیسه کلمات (کمپ حالت) شخصی که پرحرف است زود خالی میشود و اینگونه اشخاص برای اینکه این مسئله را پنهان سازند مطالب را همیشه تکرار میکنند.

گویند که تکرار مادر دانش است. ولی بنظر من افراط در تکرار به نامادری دانش تبدیل میشود. اشخاصی که در تکرار افراط میکنند، انسانهای پست نیستند. اگر آنها بتوانند کم حرف بوده و گوش شنوا داشته و به درد دل خلق و مردم خود گوش فرا دهند، زینت مجامع و نشستها خواهند شد.

* * * * *

هامه لیون (Hamelion نام يك جانور) در وضعیتهای متفاوت رنگ خود را تغییر میدهد. روی علف سبز به رنگ سبز در آمده و اگر روی گاه بنشیند، به رنگ زرد در می‌آید. این تغییر رنگ را میتوان در داستان "هامه لیون" چخوف نویسنده روس مشاهده نمود.

همچنین از طریق يك دوست جانورشناس مطلع شدم که این حیوان خاصیت دیگری هم دارد و آن این است که عمل تنفس را هر نیم ساعت یکبار انجام میدهد. چنین خاصیتی وحشتناک بودن سکوت در قبال نابرابری و بیعدالتی و فدا نمودن حقیقت در قبال منافع شخصی و فردی را یلآوری میکند.

* * * * *

روزی دوست ثروتمندی مرا به منزل خود دعوت نمود. بعد از صرف غذا به من گفت که اگر دستگاهی اختراع کنند که اگر دکمپاش را فشار دهیم، آرزوها و امیال ما برآورده میشود، چه آرزوهایی خواهی کرد؟ کمی بعد از تامل در جواب گفتم: قبل از همه سلامتی و تندرستی و بعد صلح را آرزو می‌کردم. دوستم گفت: اگر من جای تو بودم ثروت، جاه و مال و مقام و کاخ زرین آرزو می‌کردم. من در جواب گفتم: پس منم کم بودن انسان هایی مثل تو را در این دنیا آرزو می‌کردم. از آن زمان به بعد آن دوست با من قطع رابطه کرد.

* * * * *

تحسین و تمجید اشخاص و ابراز افتخارات آنان را نمیتوان پنهان نمود. يك چهارم افتخارات خود را به دوست خود و سه چهارم آنرا به مردم بگو. مردم این افتخارات را صد برابر کرد و به دوست انتقال خواهند داد.

* * * * *

عشق به کسی یا چیزی نیاز به باور و اعتماد کامل نسبت به آن کس یا چیز را می‌طلبد. عشق اعتماد می‌آفریند و اعتماد عشق را بارور میکند.

گه و نئم سه نی

قاریپ گه و نئم مه لول بولما

شات ادھر مهن گه و نئم سه نی

مه لول ناماردینگ اشی دئر

خوش ادھر مهن گه و نئم سه نی

آشیق بولسانگ دورما قاراپ،

ماحرئم قانماز جالییم حاراپ ،

آلتین کاسه گولگون شاراپ،

نوش ادھر مهن گه و نئم سه نی

قارشما عیل وه جواغنا،

بولا شما غیل بتوه پاگه

دونیا داکی گوزهل لهر گه،

باش ادھر مهن گه و نئم سه نی

دوولمت گولگول خوشییم،

یارا قوریان بولسین باشییم

آقسا گه ریان گوزده یاشییم،

باغش ادھر مهن گه و نئم سه نی